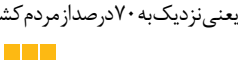


#### ۷۰درصد مردم ایران سفر نمی روند

آمار های مرکز پژوهش ها نشان می دهد که گردشگری داخلی ایران حال و روز خوشی ندارد.طبق آخرین آمارها تنها ۷ میلیون و ۷۸۸ هزار خانوار ایرانی در سال به سفر رفته اند؛ یعنی نزدیک به ۷۰درصداز مردم کشور اصلا سفر نکرده اند.



#### صدای باربرهای نمایشگاه کتاب پرسد به دست بالایی ها



گذاشته است و کمرشان زیر بار قصه های تلخ زندگی به سختی راست می شود. به گزارش ایرنا هرساله در ایام نمایشگاه کتاب، انواع خدمت رسانی ها به اهالی کتاب در این رویداد ارائه می شود که عمدتاً ماین اخبار گم می شوند. یکی از این خدمات، بخش حمل و نقل داخل نمایشگاه است که فعالان بخش به باربرهای نمایشگاه معروف هستند. باربرهای نمایشگاه کتاب هر کدام با آرزوهایی، کودکی را از مرز جوانی به در که ده اند اما افسوس که همه آرزوها، آرزو ماندن از آرزوی کالت تافوتالیست شدن تنها خاطرهای محو از رویای نوجوانی را در گوشه ذهن به جای گذاشته است تا واقعیت روزگار، تمام فکر و ذهنشان را تا مین آب و نان کند. هر چند هستند استثناهایی در این میان که شوق به مطالعه را همچنان می توان در برق چشمانشان دید وقتی از کتاب حرف می زنند.



#### «علیرضا قربانی» در استاد یوم آزادی می خواند



تور کنسرت جدید علیرضا قربانی خرداد ۱۴۰۴ در فضای باز غربی استاد یوم آزادی بر گزار می شود و پس از آن در شهر های شیراز، یزد، کرمان، اصفهان، اهواز، تبریز و نیشابور ادامه پیدا خواهد کرد. اشعار تور کنسرت «پرانم» که با مدیریت هنری حسام ناصری اجرا می شود که از مولانا میر خسرو دهلوی، واقف لاهوری، هوشنگ ابتهاج، احمد شاملو، غلامرضا طریقی، حسین غیانی، احمد امیر خلیلی و حمید خلف بیکی است. حسام ناصری، علیرضا فکاری و همپایار علیزاده آهنگسازان قطعات این تور کنسرت هستند. راه های دسترسی به مکان اصلی کنسرت، زمان دقیق، نحوه تهیه بلیت و دیگر اطلاعات تکمیلی به زودی اعلام می شود.



#### نمایشگاه تخصصی موسیقی کودک و نوجوان افتتاح شد



آیین افتتاحیه، مدیر کل دفتر موسیقی، در سخنانی اظهار کرد: دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توجه به تولیدات مرتبط با کودکان و نوجوانان را در دستور کار خود قرار داده است. بابکر ضایي تصريح کرد: این نمایشگاه نشانه ای از دغدغه مندی و جدیت در پرداختن به موسیقی کودک است. بنده آمادگی خود را برای همکاری با آموزش و پرورش، اصناف و نهادهای در عرصه موسیقی کودک اعلام می کنم. تابثانیم در ارتقای ذائقه شنیداری نسل آینده نقش داشته باشیم. نمایشگاه موسیقی کودک و نوجوان از بیست و سوم تا بیست و ششم اردیبهشت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان برگزار خواهد بود.



#### آتش برای مهار علف های هرز تپه ۷۰۰۰ساله پوستچی



آذر عرص نوسنگی و پیش از تاریخ بود. بخشی از این تپه به دلیل وجود علف های هرز دچار آتش سوزی شد که در ادامه با دخالت آتش نشانان آتش خاموش شد. به گزارش ایلنا و براساس گزارش های موجود تپه پوستچی شیراز از حدود یک دهه قبل برای کاوش باستان شناختی در اختیار دانشگاه هنر شیراز قرار گرفت. این تپه باستانی که کاوش های باستان شناختی آن تاریخ شهر شیراز را به دوره پیش از تاریخ و حتی دوره نوسنگی آغاز شکل گیری روستاهای بزرگ در آن دوره رساند، دوشب قبل به دلیل آن کانهوه علف های رشد کرده بر سطح آن طی سال هاست نخورده باقیمانده بود، طعمه حریق شد. حریق در تپه پوستچی شیراز که در فهرست آثار ملی کشور نیز ثبت شده است به اندازه ای وسیع بود که برای مهار آن از خودروهای آتش نشانی استفاده و آتش نشان هابری مهارش اقدام کردند.



#### افتتاحیه کن با اهدای نخل طلای افتخاری به رابرت دنیرو



لئوناردو دیکارپو جو جایزه نخل طلای افتخار را به اربت دنیرو اهدا کرد و دنیرو در سخنانی با اشاره به اینکه هنر نیرویی دموکراتیک و تهدیدی برای خود امکان و فانیست هاست، به انتقاد از دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا برای وضع تعرفه ۱۰۰ درصدی بر واردات فیلم های خارجی پرداخت و اظهار کرد: نمی توان برای خلاقیت قیمت گذاشت. اما ظاهراً می شود بر آن تعرفه بست. او همچنین به محکومیت اخیر ژرار دوپاردیو باز یگر سینما به اتهام آزار جنسی اشاره کرد و به همین بهانه از فرهنگ سکوت در برابر سوء استفاده های جنسی در صنعت سینمای فرانسه انتقاد کرد.

#### کوتاه درباره «شک»، «آشپز خانه و متعلقات» و «کتابخانه نیمه شب»

# نمایش هایی برای خستگان، شکاکان و انتحارکنندگان



محمد حسن خدایی

در میانه فصل بهار و اردیبهشت ماه هستیم و هوانسبت به متوسط همیشگی سالیانه اش، گرم تر به نظر می آید و شور و یختانه از پس کاهش بارندگی و افزایش مصرف آب، می بایست تابستانی گرم و سخت را انتظار بکشیم که مقدماتش با قطعی بر نامهر یزی شده روزانه برق و تشدید بر خورد با مشترکان پر مصرف و افزایش تعرفه ها نمود یافته است. در این میان سلسال های خصوصی مجبور شده اند خود را مجبزه به ژنراتور های تأمین برق کنند. بی شک این قضیه در هزینه های جاری این فضاهای هنری تأثیر بی واسطه خواهد داشت و قیمت بلیت نمایش های روی صحنه را بالاتر خواهد برد. از یاد نبریم که چگونه مدت ها ست نقل قول مسئولان دولتی در حوزه انرژی، عبارت شیک و پرطمطراق «ناترژی» است و احتمال با این رشد شتابان مصرف و عدم سرمایه گذاری در حوزه تأمین انرژی، در آینده شاهد تشدید نارسایی ها و قطعی بیشتر برق خواهیم بود و اگر از همین امروز فکری برای این قضیه نشود در آینده می تواند بر فعالیت نهادهای فرهنگی همچون سالن های تئاتر و سینما اثر منفی گذاشته و مشکلات قابل تحمل این روزها، به بحران های لاینحل فر دابدل شود. امید که دولت مردان کشور بیش از این به فکر رفع مشکلات حوزه انرژی باشند و یاری رسان فعالان حوزه فرهنگ و هنر، بدون انرژی های پاک و تجدید پذیر، توسعه متوازن کشور ناممکن بوده و گرفتار شدن در چرخه تنش های اقتصادی و عقب ماندگی گریزناید پذیر. بنابر این کل ساختار سیاسی کشور با همراهی بخش خصوصی و آحاد مردم، باید دست همکاری به سوی یکدیگر دراز کرده و با کاهش



مصرف انرژی و افزایش تولید، کمبودهای صنعت انرژی را بر طرف و امکان فعالیت گروه های خوب هنری را فراهم کنند. حال با توضیحاتی که رفت به چند اجرای این روزهای تئاتر پایتخت بیر دازیم و این نکته را متذکر باشیم که موفقیت یا شکست اغلب پروژه های تئاتری، از تباط معناداری با رفاه اجتماعی و وجود چشم اندازی روشن در افق پیش روی هنر مندان این عرصه دشوار خواهد داشت. به هر حال در مطالعات توسعه، مصرف بهینه و سامان محصولات فرهنگی می تواند یکی از شاخص های مهم در این زمینه باشد و روشنگر کیفیت خوب حکمرانی و رضایت شهروندان از دست اندر کاران نهادهای سیاست گذار دولت.



#### برده نقره ای

#### نگاهی به سریال تلویزیونی پرترفدار این روزهای تئلفلیکس

## «نوجوانی»؛ به مثابه زنگ خطر اجتماعی



محمد تقی زاده

این فقط یک سریال نیست، این شاید کلیدی ترین نکته و برجسته ترین موضوعی است که پس از تماشای سریال «نوجوانی» می توان بدان اشاره کرد و تأکید داشت که کار کرد یک سریال تلویزیونی می تواند خیلی بیشتر از یک برنامه سرگرم کننده و تفریحی باشد و می توان با سریال تلویزیونی جریان سازی کرد و فرهنگ ساخت.

اساسی ترین موضوع پیرامون سریال نوجوانی که از یک سو آن را از دیگر سریال های مشابه که در ایران نوجوان ها ساخته شده، متمایز کرده و از سوی دیگر محل بحث و نظر منتقدان و تماشاگران تلویزیون و سینما شده؛ شیوه فیلمبرداری آن است. سریال در ۴ اپیزود فیلمبرداری شده و هر اپیزود حدود یک ساعت است که بدون هیچ کات

و قطعی، در یک برداشت کامل و بدون مکث و توقف گرفته شده است. این سبک فیلمبرداری معایب و مزایایی دارد که عمدتاً در آثار فیلمسازان دیگر با نوعی خودنمایی و تکنیک زدگی همراه بوده اما در این سریال، استیون گراهام سعی کرده فارغ از این خودنمایی ها، استراژی داستان گوایی و روایت گری سریال خود را بر پایه سکانس پلان تعریف کند و از این رو علاوه بر اینکه سریال از جوه فنی، سریال مهم و قابل توجهی است در زمینه شکل روایی نیز شاهد اتفاقات مهمی هستیم که به واسطه این سبک تصویربرداری حاصل شده است.

استراژی سکانس پلان عمدتاً برای سربانگه داشتن داستان، تعلیق بیشتر و رئالیستی کردن فضای داستانی کاربرد دارد، اما سازندگان «نوجوانی» در اقدامی فکرشده، استراژی داستانی

نمایشنامه جذاب و مساله مند «شک» اثر جان پارتیک شنلی، بیش از این دو بار ترجمه و در انتشارات «قطره» و «تیل» منتشر شده است. اولی با ترجمه آذاده شاهامیری و دومی به دست محمد منعم. نمایشنامه ای مهم که به ایمان و شک در یک مدرسه مذهبی می پردازد و به شکل درخشانی این واقعیت را آشکار می کند که مرز ایمان و عدم باور، در فضاهای کنترل شده ای چون کلیسا و مدارس مذهبی، به چه راحتی می تواند مخدوش شده و برای افراد حاضر در آن خلاقیت، صفحه ای را مد نظر داشته که تصاویر مربوط به صحنه ها را تعین مادی می بخشد. در دل این صفحه، یک صلیب از طریق فقدان کار گذاشته شده است. به دیگر سخن معلمان و مدیران مذهبی این مدرسه، از دل این معبر که شکل صلیب دارد مجوز ورود به صحنه را می یابند. جالب آن که این صلیب غایب، سایه ای دارد که گویی گریزی از قدم برداشتن بر آن به عنوان میراث مادی و معنوی مسیحیت برای ساکنان این مدرسه مذهبی نیست. کیست که نداند هویت افراد ساکن در یک مدرسه مذهبی در نسبت با دستورات کلیسایی معنا می یابد و اجرای شک با این شکل از بازنمایی صلیب عیسی، در پی یادآوری پیدا و پنهان انسان در مجاورت ایمان و شک الهیاتی است. کوروش سلیمانی نشان داده فهم درستی از اجرای این متن دشوار تئاتری دارد و به یاری همکاران کارلبد خوش، میزبان لایقی برای تماشاگران آثار باکیفیت هنری است.



و نوجوان، به سمت آنها می چرخد و گاهی برای مشخص تر شدن اتمسفر گفت و گو هر دو را در یک قاب تصویر می کند. در اینجا دوربین و سبک تصویربرداری به خوبی به مثابه یک ابزار برای شخصیت پردازی و پردازش دقیق تر و سینمایی تر شخصیت ها به کار می رود و مهم تر اینکه خبری از حرکت های سر گیجه آور و پر تعداد دوربین که در آثار مشابه اتفاق می افتد، نیست.

در بحث مضمونی، سریال نوجوانی چند مقوله مهم را مطرح و پردازش می کند که پیش از طرح آن که از: سوسی سریال های مختلف صورت گرفته، نحوه و تأثیر پردازش آن در دل درام است که سازندگان با هنرمندی موفق به انجام آن شده اند. سریال ۴ نهاد مختلف را در ۴ اپیزود خود معرفی و واکاوی می کنند: نهاد پلیس و قانون گذار در قسمت اول، نهاد مدرسه و آموزش و تربیت کننده در قسمت دوم و نهاد خانواده و جامعه در قسمت های سوم و چهارم به عنوان مبنای اصلی سریال هستند و محلی برای واکاوی تأثیرات آنها بر روان و روح پسر نوجوان متهم به قتل مورد بررسی قرار می گیرند.

سریال نوجوانی اصولاً سریال «چرایی» است و خیلی در گیر کلیشه های مرتبط با «چه» و حتی «چگونه» نمی شود. به بیان داستانی تر، در سریال نوجوانی مساله اینکه جیمی ۱۳ ساله چگونه هم مدرسه ای دختر خود را به قتل رسانده مطرح نمی شود و روی جزئیات قتل نیز تأکید و تمرکز زیادی نمی شود اما به طرز دقیق و فکر شده ای درباره چرایی انجام این اتفاق شوم و همچنین تبعات آن برای شخص خاکی و به خصوص خانواده متلاطمه تمرکز وسیعی می شود از طریق گفت و گوی طولانی جیمی نوجوان و مشاور در اتاق مشاوره، واکاوی روان پسر چه صورت گیرد و به عنوان یک تریای درمائی جزئیات، ریشه ها و انگیزه های این اتفاق تبیین شود. از سوی دیگر، در قسمت چهارم، خانواده جیمی به نحو تأثیر گذاری در گیر مساله جنایت پسر چه شده و مورد محاکمه فردی قرار می گیرند به نحوی که خانه به مثابه دادگاهی می شود که پدر و مادر جیمی خود را در برابر پسر قاتل خود قرار داده و محاکات فردی در برابر وجدان هر کدام صورت می گیرد و اینجاست که ضربه محکم سریال به خانواده ها از طریق باز پرس ی خانواده قاتل صورت می گیرد. سریال «نوجوانی» از حیث تربیتی و فسر ای کیفیت فنی، ساختاری و روایی، سریالی تأثیر گذار در سطح خانواده و جامعه است. شاهد اصلی این ادعا در اروپا و کشور انگلیس جنجال هایی

شماره ۱۹۰۵ / پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ / ۱۷ ذوالقعدة ۱۴۴۶ / ۱۵ می ۲۰۲۵



ایرانیان نزدیک شده و از این بابت، برای تماشاگران طبقه متوسط حاضر در سالن استاد ناظرزاده کرمانی، کمابیش ملموس و باور پذیر است. گویا متن نمایشنامه تغییراتی به خود دیده و خلاصه تر شده است. این اجرا هم یادآور جهان مفروض نمایشنامه های نیل سامون و فلوریان زلر بوده و به اخلاقیات بحران زده مردمان طبقه متوسط شهری می پردازد و از این باب مورد پسند مخاطبانی قرار می گیرد که در زندگی واقعی، دچار روابط پر تنش عاطفی و اجتماعی بوده و برای ماندن در بورس کامیابی اجتماعی، بی وقفه می بایست تلاش کنند. شهره سلطانی و بهروز پناهنده به عنوان یک زوج هنری فعال در عرصه تئاتر، دغدغه خانواده معاصر شهری را دارند و اغلب آثاری که بر صحنه می برند حال و هوای طبقه متوسط شهری دارد. بی شک نمایشنامه «آشپز خانه و متعلقات» انیس ژاوی و ژان پیر بکری، مناسب این هدف گذاری است و مورد پسند دوستداران مولودرام های اروپایی.

#### نمایش سوم- کتابخانه نیمه شب

استقبال از نمایش کم پرسوناژ کتابخانه نیمه شب بیش از آن که به کیفیت اثر مربوط باشد، تحت تأثیر بن مایه های روانشناختی رمان «مت هیگ» است. دختری در پی ناامیدی از زندگی، دست به خودکشی می زند و به طور مجزّه اسایی نجات می یابد. حال او این فرصت بی بدیل را دارد که در یک کتابخانه، با مطالعه چند اثر مطرح ادبی، بار دیگر به دوران زندگی بازگردد و از نوزندگی را با دیدگاهی تازه آغاز کند. محمدملک شاهی در مقام کارگردان در همکاری با نویسندگان چون مجتبی گلستانی و نیمانافع، توانسته یکی از پرفروش های این چندوقته را بر صحنه آورده و به نوعی دل و دیده تماشاگران اغلب جوان این نمایش را بریابد. مونا فرجاد و محمد شعبانپور، با مهارت در خدمت اجرا بوده و تنش دائمی شخصیت ها را به خوبی بازنمایی می کنند. شعبانپور علاوه بر مامور کتابخانه بودن، نقش شهسو، ساسگرد هوادار و پدر را ایفا کرده و فضایی متکثر به لحاظ حسی، به اجرا بخشیده است. همچنان که طراحی صحنه نمایش، با رنگ آمیزی شاد و دل نواز، از خستگی و ملال تماشاگران جلوگیری کرده و اتمسفری مفرح را بر ساخته است. جلوه گیری در نهایت می توان گفت که این اجرا بیش از نکات زیباشناسانه و فنی، موفقیت اش را از طرح مسائلی نصب می برد که برای اکثر جوانان سرخورده این روزهای کلانشهر تهران مورد توجه است. اینکه در خشونت نمادین زندگی در کلانشهری چون تهران، بتوان تاباوری را افزایش داد، تا حد امکان کم نیارود و با انرژی زیاد ادامه داداز شعار های پیداو پنهان رمان مت هیگ انگلیسی است. این اجراقرق چندانی با رفتن نزد یک روانشناس و دعوت شدن به تغییر نگاه به زندگی و مثبت اندیشی ندارد. اینکه بتوان با کسی که دوست می داریم، یک عصر بهاری را در سالن ملک گذرانده و حال خوبی پیدا کنیم همان کاری است که نمایش کتابخانه نیمه شب قرار است به انجام رساند و شمای مخاطب را شاد و شنگول به فضای ترسناک شهری بفرستد. آیا موفق است؟ آمار گیشه که همین را می گوید.



بود که پس از پخش سریال اتفاق افتاد و تئلفلیکس به عنوان پخش کننده سریال از سوی برخی گروه های تندرو متهم به برخی اتهامات اجتماعی و جنایی شد. در ایران اما انواع مواجهه کاملاً فرق می کنند. در ابتدا نحوه بر خورد پلیس با پسر بر چه نوجوان آگاهی بخشی به او در زمینه شناخت حق و حقوق او مورد توجه قرار می گیرد؛ اینکه چقدر به حقوق یک پسر چه اهمیت داده می شود و کمترین توهین و تحقیری به نوجوانی که جنایت او قطعی است، صورت نمی گیرد. مدرسه به عنوان نهاد تربیتی در اپیزود دوم محلی بزرگ و فراتر از دوربین و تصویر مخاطبان تصویر می شود: مکانی شلوغ و پرهیاهو که به طور واضح توسط پسر پلیس (آدام) به او خطاب می شود که دنیای شما بزرگترها که در آن در حال زندگی هستید با دنیای این نوجوانان فرسنگ فاصله دارد و گویی دو دنیای موازی در واقعی و مجازی در حال گذر است. و بزرگترها کمترین شناختی از فرزندان خود ندارند. این مضمون و جدایی و افتراق خانواده از پسر نوجوان در قسمت چهارم و محاکات فردی نیز مورد اشاره و تأکید قرار می گیرد. ابعاد تربیتی سریال به این محدود نمی شود و می توان ساعت ها به اشارت آن به تأثیرات فضای مجازی در پرورش و تخریب نسل زد و زندگی و زمانه آنها اشاره کرد. از نظر نگارنده، قسمت چهارم تأثیر گذارترین و تکان دهنده ترین اپیزود سریال است جایی که مخاطب نفس بانفس از تأثیر ویرانگر جامعه و به اصطلاح حرف مردم روی خانواده جیمی حس و باز خورد می گیرد، عصبانیت و ویرانگری پدر را می بیند که به پسر نیز تسری پیدا کرده و این رابطه پدر پسر را به فوق العاده ترین شکل ممکن درک می کند و در انتها با تماس پسر با پدر بخش آخر و فینال سریال شکل می گیرد و به دادگاه و محاکمه فردی پدر و مادر ختم می شود. اما نکته اصلی در این قسمت و روایت آن که به مخاطبان در مواجهه با کاراکترها حس می کنند آنها را دنبال می کنند و مجموع احساسات و درونیات شخصیت ها را با آنها تکرار می کنند. تجربه دیدن قسمت آخر، تجربه ای شگرف و وری این اثر صرف سرگرم کننده است که تأثیر هنر بر حس و روان تماشاگر را به خوبی هویدا می سازد. در نهایت سریال با مونولوگ پدر خطاب به پسرش که می گوید «متأسفم پسر، ما به پدرت از اینها در قحرات می کردم» تمام می شود، اما اثر گذاری و سبیلی محکم آن به مخاطب سریال تازه آغاز می شود...

